

اهداف بعثت انبیاء

حضرت آیت الله مصباح یزدی (حفظه الله)

اهداف و فواید بعثت انبیاء را که بیانگر وجه حاجت بشر به دین است، می توان این گونه برشمرد:

1- هدایت تشریعی: اصولاً مسئله نبوت در قرآن کریم از آغاز خلقت بشر مطرح بوده است و زندگی انسان در این دنیا بر اساس هدایت تشریعی بنا شده است. قبول این مطلب با توجه به هدف آفرینش انسان در این جهان، روشن است. وقتی دانستیم علت اینکه انسان در عالم ماده به وجود آمده، این است که مسیر اختیاری داشته باشد و سرنوشت خویش را به اختیار خود رقم بزند، طبعاً باید از طرف خدا راهی به او نشان داده شود و این راه هم دو جهت داشته باشد: یکی جهت کمال و دیگری جهت نقص؛ یکی منتهی به سعادت و دومی منتهی به شقاوت تا با انتخاب آزاد خویش یکی را برگزیند... بنابراین مسأله هدایت تشریعی به وسیله وحی و نبوت چیزی است که در تقدیر آفرینش بوده و سکونت انسان در روی زمین بدون آن امکان نداشته است؛ چون خلاف حکمت الهی است... چون انسان باید راه سعادت و شقاوت را آزادانه برگزیند، باید نسبت به هر دو راه شناخت داشته باشد و عقل انسان و سایر مشاعرش برای تشخیص صواب و خطا کافی نیست. پس راه دیگری که ما اسمش را وحی می گذاریم، باید باشد، وگرنه انسان نمی تواند راه حق را تشخیص دهد...

2- تعلیم مردم: آیاتی دیگر داریم که پیامبر مبعوث می شود تا به مردم چیزهایی را بیاموزد که نمی دانند. آن هم تقریباً همین مفاد را دارد؛ یعنی آنچه را خود مردم می دانند که خوب است، باید عمل کنند، هرچند پیامبری مبعوث نشود؛ ولذا حتی مستضعفینی که دعوت پیامبران را درک نکرده اند، آن ها هم به اندازه عقل خودشان مسئول اند. علت اصلی نبوت این است که چیزهایی که مردم نمی دانند و خودشان نمی توانند بفهمند، به آن ها یاد دهند: «و یعلمکم ما لم تکنوا تعلمون» (بقره: 151) و «و علمکم ما لم تکن تعلم» (نساء: 113)؛ آن ها هم تقریباً مؤید همین مضمون است...

3- اصلاح تحریف ها: ممکن است خدا پیامبری را بفرستد و راه حق را هم به مردم نشان دهد و کتابی بر او نازل کند، بعد کتاب تحریف شود. در چنین وضعی باز حکم مردمی را دارند که پیامبر نداشته و کتابی هم ندارند. احتیاج هست که پیامبری بیاید و دست کم آن جهات تحریف شده را ترمیم کند...

4- رفع اختلافات دینی: بعضی آیات اشاره به این مطلب دارد که علمای اهل کتاب، مطالبی را پنهان کرده بودند و به مردم نمی گفتند. اختلافاتی بود که خود علمای اهل کتاب به دلیل منافع خودشان ایجاد کرده بودند. این ها موجب می شد که خدا پیامبری بفرستد تا اختلافات را رفع کند و حق را به مردم نشان دهد...

5- قضاوت: چنان که از خود قرآن استفاده می شود، یکی از منافع وجود انبیاء این بود که غیر از آنکه اصل حکم را به مردم می رساندند، آن حکم را تطبیق بر موارد می کردند و در مورد مشاجراتی که بین مردم پدید می آمد، قضاوت می کردند...

6- حکومت: بعضی انبیاء مقامی بالاتر از قضاوت هم داشته اند؛ یعنی رسماً رئیس حکومت و جامعه بوده اند و مردم باید از آن ها اطاعت کنند. آیه ای هست که به طور کلی می فرماید: «ما هر پیامبری را برای مردم فرستادیم، برای این بود که مردم از او اطاعت کنند»؛ بنابراین هر پیامبری هر چه ادعا کند که از طرف خداست و لازم است اعمال کند، مردم باید بپذیرند. وقتی فرمود من از طرف خدا برای قضاوت تعیین شده ام، مردم باید قبول کنند. اگر فرمود من به عنوان حاکم جمعیت تعیین شده ام، در شئون سیاسی و تدبیر امور اجتماع باید از من اطاعت کنید، مردم باید قبول کنند. به طور کلی هر پیامبری بر هر جمعیتی مبعوث می شود (در صورتی که پیامبری او ثابت شده باشد)، هر ادعایی از طرف خدا کند، مردم باید بپذیرند: «و ما أرسلنا من رسول إلا لیطاع یاذن الله» (نساء: 64) بنابراین یکی از اهداف ثانوی از نبوت که در بعضی نبوت ها تحقق می یابد، این است که حکومت حقّه ای در روی زمین پیاده شود و مردم در زیر چتر آن حکومت حق، هم دنیا و هم آخرتشان اصلاح شود...

7- تذکر دادن: از جمله نکته هایی که از قرآن کریم استفاده می شود که از فواید نبوت، بلکه از اهداف نبوت است، این است که مردم با اینکه چیزهایی را می توانند درک کنند و یا به صورت مبهم و نیمه آگاهانه درک کرده اند، احتیاج به تذکر دهنده ای دارند که آن درک نیمه آگاهانه آن ها کامل شود و به تعبیر قرآن کریم از غفلت خارج شوند و به ذکر و آگاهی برسند. تعبیراتی که در قرآن، در مورد خود قرآن و بسیاری از کتاب های آسمانی دیگر، به عنوان «ذکر، ذکری، تذکره، مذکر» و امثال این ها شده است، ناظر به این جهت است...

8- انذار و تبشیر: نکته دیگری که از آیات کریمه درک می شود، این است که گاهی انسان چیزی را می داند و حتی ممکن است توجه هم داشته باشد، اما انگیزه عمل ندارد. در این صورت باید در انسان انگیزه ای پدید آید تا او را به حرکت آورد. انبیاء به عنوان «منذر و مبشّر» این کار را انجام می دهند. انگیزه ها را در مردم به وجود می آورند، گرایش های خفته را بیدار می کنند. هر انسانی از عذاب می ترسد و حتی احتمالش، ولو ضعیف هم باشد باید مؤثر باشد، ولی عملاً در مردم چنین تأثیری دیده نمی شود؛ اما وقتی پیامبر بیاید و عذاب های اخروی را توضیح دهد؛ نعمت های بهشتی را برشمارد، با انذار و تبشیر، گرایش ها را به فعلیت و علم ها را به آگاهی می رساند...

9- مبارزه با ظلم و فساد: از جمله اهدافی که از آیات کریمه استفاده می شود، مبارزه عملی با ظلم ها و فسادهایی است که در زمان پیامبران رایج بوده است...

10- توجه دادن مردم به توحید و معاد: وقتی آیات کریمه قرآن را مطالعه می کنیم، می بینیم که در خصوص هدف بعثت انبیاء، روی این دو موضوع تکیه شده که ما پیامبران را فرستادیم تا مردم را دعوت به توحید کنند، با اینکه خود توحید از راه عقل ثابت می شود و قرآن هم برهان عقلی برای توحید اقامه می کند، ولی می فرماید هدف از بعثت انبیاء این بود که مردم را به توحید دعوت کنند و یا در جایی

می‌فرماید هدف از بعثت انبیاء این است که مردم را متوجه به معاد کنند.
(راه و راهنماشناسی، ج 1: 44-23)